

«زیدیه»

از ظهور تا تأسیس حکومت

سید علی موسوی نژاد*

۱. تعریف

مذهب زیدیه از جمله مذاهب شیعه به شمار می‌رود که پیروان آن همچون دیگر شیعیان پس از پیامبر اسلام (ص) به امامت علی بن ابی طالب (ع) و فرزندان ایشان و مرجعیت اهل بیت معتقدند. آنان پس از اعتقاد به برحق بودن و امامت علی (ع) بعد از پیامبر، و امامت حسن (ع) و حسین (ع)، امامت را منحصر در فرزندان آن دو می‌دانند و معتقدند هر کدام از ایشان که دارای شرایط باشد و مردم را به امامت خود دعوت کند و علیه ظلم و ستم قیام نماید، امام خواهد بود. به همین دلیل، آنان پس از امام حسین (ع) به امامت زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) معتقدند و خود را پیرو او می‌دانند.^۱

حاکم ابوسعید محسن بن محمد جشمی (متوفای ۴۹۴ ق)، یکی از شخصیت‌های زیدیه ایران در قرن پنجم، می‌گوید:

عقیده محوری مذهب زیدیه برتری علی بن ابی طالب (ع) بر دیگر صحابه و اعتقاد به اولویت ایشان در امامت است. آنان پس از امام حسن و امام حسین (ع)، امامت را در دو بطن (نسل آن دو امام) منحصر می‌دانند و در نظر آنان استحقاق امامت با دعوت و فضل خواهد بود نه با وراثت. همچنین آنان معتقد به وجوب خروج بر حاکمان ظالماند و همچون معتزله به توحید و عدل و وعد و وعید، قائل‌اند.^۲

عبدالله بن زید عنسی (متوفای ۶۶۷ ق)، یکی از شخصیت‌های زیدیه یمن در قرن هفتم، می‌گوید:
 زیدیه اصحاب زید بن علی (ع) هستند، همان گونه که شافعیان
 اصحاب شافعی و حنفیان اصحاب ابوحنیفه‌اند. و اصحاب انسان کسانی‌اند
 که همراه اویند و او را در دین و گفتار دوست می‌دارند و از خواسته‌های او
 پیروی می‌کنند و ذوری از او را نمی‌پسندند.^۳

امام زیدیه یمن، مهدی‌الدین‌الله احمد بن یحیی مشهور به ابن‌مرتضی (متوفای ۸۴۰ ق)،
 نظری متفاوت دارد. او در تعریف زیدیه می‌گوید:

زیدیه به زید بن علی (ع) منتسب‌اند و همگی به امامت او معتقدند، هر چند
 در فروع بر مذهب او نباشند، و این بر خلاف شافعیان و حنفیان است که به دلیل
 پیروی از ابوحنیفه و شافعی در فروع، به آن دو منتسب می‌شوند.^۴

به نظر نمی‌رسد که دیدگاه این دو شخصیت زیدی با هم تفاوتی اساسی داشته باشند، چرا
 که آنچه مورد نظر عنسی بوده، تنها مشابهت میان زیدیه و مذاهب فقهی اهل سنت، در اصل
 پیروی از امامان خود بوده است، در حالی که ابن‌مرتضی می‌خواهد بگوید: زیدیه، به دلیل تقلید در
 مسائل فقهی، به زید بن علی (ع) منتسب نیستند، بلکه اعتقاد به امامت اوست که موجب صدق
 این نام می‌شود.

۲. پیدایش

پس از شهادت امام حسین بن علی (ع)، شیعیان به چند گروه تقسیم شدند و در حالی که بسیاری
 از آنان به امامت امام زین العابدین علی بن حسین (ع) اعتقاد داشتند، گروه دیگری محمد، فرزند امام
 علی (ع)، مشهور به ابن‌حنفیه، را امام خود دانستند. این گروه به «کیسانیه» شهرت یافتند.
 گروه سوم، شیعیانی بودند که گویا اعتقاد به امامت امام معینی نداشتند و بر آن بودند که
 امامت در آن گروه از فرزندان فاطمه (س) استمرار خواهد یافت که دارای شرایط معینی باشد، از
 جمله آنکه بر علیه ستمگران و ظالمان خروج نماید.

این گروه، پس از آنکه زید بن علی بن حسین (ع) در دوران حکومت هشام بن عبدالملک
 اموی دست به قیام زد، گرد او جمع شدند و او را امام خود دانستند و زیدیه نام گرفتند.^۵

زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) در سال ۷۵ هجری ق، در مدینه متولد شد و
 پس از طی مراتب کمال و تربیت در دامن امام سجاد (ع) و برادر بزرگتر خود امام باقر (ع) عاقبت در

سال ۱۲۲ هجری در قیامی خونین در کوفه بر دستگاه خلافت جائر اموی شورید و به شهادت رسید.^۶
 و از آن پس علویان بسیاری با الهام از قیام او که خود ملهم از قیام امام حسین (ع) در
 عاشورای ۶۱ هجری ق، بود؛ در جای جای سرزمین‌های اسلامی دست به قیام و مبارزه زدند و

مکتبی با نام زیدیه شکل گرفت که گروه قابل توجهی از شیعیان در مراکز عمده جهان اسلام خود را پیرو آن می‌دانستند.

۳. تاریخ

۳.۱. مرحله شکل‌گیری، (قرن دوم هجری)

زید بن علی بن الحسین (ع) در محرم سال ۱۲۲ هجری ق، در کوفه به شهادت رسید. با فاصله اندکی، فرزندش یحیی پرچمدار مبارزه با بنی‌امیه شد و در خراسان دست به قیام زد. ولی حرکت او نیز در سال ۱۲۵ یا ۱۲۶ ق، سرکوب شد و یحیی به شهادت رسید. قیام یحیی بن زید و شهادت او، آغازی بر روند فروپاشی نظام اموی و پس از آن روی کار آمدن عباسیان در سال ۱۳۲ بود.^۷ در ادامه و پس از سلطه ظالمانه بنی‌عباس، علویان همچنان به مبارزات و قیامهای خود ادامه دادند و زیدیه نیز بر محور آنان جمع شدند و به امامت آنان اعتقاد داشتند.

مهم‌ترین امامان زیدیه، پس از زید بن علی (ع) و فرزندش یحیی که تا پایان قرن دوم در طول بیش از نیم قرن، دست به قیام زدند و به عنوان امامانی جامع شرایط برای زیدیه مطرح بودند،^۸ عبارت‌اند از:

- محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب (ع)، معروف به نفس زکیه که در سال ۱۴۵ ق، و در زمان خلافت منصور عباسی در قیامی خونین در مدینه به شهادت رسید.
- ابراهیم بن عبدالله، برادر نفس زکیه، که او نیز به دنبال قیام و شهادت برادر خود در عراق قیام کرد و در همان سال به شهادت رسید.

- حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب (ع) معروف به شهید فح که در سال ۱۶۹ ق، در زمان خلافت هارون عباسی در مکه مکرمه قیام کرد و در منطقه‌ای به نام فح به شهادت رسید.

- یحیی بن عبدالله، برادر دیگر نفس زکیه، که پس قیام شهید فح و مشارکت در آن، در منطقه دیلم در شمال ایران دست به قیام و شکل دادن حرکتی جدید زد، ولی به زودی توسط هارون خلیفه عباسی دستگیر شد و به زندان افتاد و در زندان درگذشت.

- ادريس بن عبدالله، برادر چهارم نفس زکیه نیز پس از جان در بردن از واقعه فح، به مغرب دور گریخت و در آنجا با کمک برخی صاحب نفوذان مخالف حکومت عباسیان، تشکیل حکومت داد و پایه‌گذار حکومت ادریسیان، به عنوان اولین حکومت با گرایش زیدی، شد؛ حکومتی که پس از او نیز سالها ادامه یافت و از نسل او در آن دیار حکومت کردند.^۹

- محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب (ع)، معروف به ابن طباطبا، که در سال ۱۹۹ ق، در زمان مامون عباسی در قیامی که ابوالسرایای سزی فرماندهی آن را بر عهده داشت به عنوان امام زیدیه مطرح شد. وی در اثنای قیام در همان سال بر اثر بیماری درگذشت.

همزمان با اوج‌گیری مبارزات زیدیه در قرن دوم، برخی نظریه‌پردازان و متکلمان زیدی نیز متأثر از جو حاکم بر آن دوره، به طرح مباحث مختلف کلامی روی آوردند و نظریات آنان موجب پیدایش نخستین دسته بندیها در میان زیدیه شد.

این اختلافات بیش از هر چیز به بحث امامت و رهبری جامعه باز می‌گشت. زیرا آنان در اصول کلی مورد اختلاف متکلمان آن دوره و مباحثی همچون توحید و نفی تشبیه و تجسیم و بحث عدل الهی و نفی جبر، دیدگاههای تقریباً یکسانی ارائه می‌کردند و اختلاف چندانی نداشتند. مهم‌ترین فرقه‌های زیدیه در این مقطع عبارت بودند از: جارودیه، صالحیه و سلیمانیه.^{۱۰}

۳.۲. مرحله تثبیت و تشکیل حکومت (قرن سوم هجری)

قیامهای متعدد و متنوع زیدیه علیه دستگاههای اموی و عباسی در جای جای جهان اسلام تا اواسط قرن سوم هجری ادامه داشت، ولی معمولاً این قیامها جز در مواردی محدود که با موفقیت‌های مقطعی و موقت همراه بود،^{۱۱} در سایر موارد قرین توفیق نبود و به شکست می‌انجامید.

درست در همین مقطع و در نیمه نخست قرن سوم، شخصیتها و امامانی در میان زیدیه ظهور کردند که نقش بسیار مهمی در تدوین و احیای مجدد زیدیه به عنوان یک مذهب داشتند که در رأس همه قاسم بن ابراهیم، مشهور به قاسم رسی (متوفای ۲۴۶ ق)، و احمد بن عیسی بن زید (متوفای ۲۴۷ ق)، قرار می‌گیرند. این شخصیتها اگر چه در مبارزات سیاسی خود موفقیتی کسب نکردند و مجبور به گوشه‌گیری شدند، ولی با تالیف کتابها و رساله‌های متعدد و ارزشمندی به زیدیه به عنوان یک مذهب سر و سامان بخشیدند.

شکل‌گیری جدید فکری در مذهب زیدیه، همزمان با پدید آمدن نقطه عطفی مهم در مبارزات سیاسی زیدیه در همین مقطع بود؛ چرا که از اواسط قرن سوم ق، به تدریج مبارزات سیاسی زیدیه وارد مرحله جدیدی شد و به جای شورشهای منطقه‌ای علیه دستگاه خلافت، امامان زیدی بیشتر با قرار گرفتن در هرم قدرت و به دست گرفتن رهبری حکومت‌هایی در ایران و یمن مطرح می‌شدند. این حکومتها موفقیت‌های جدیدی را برای تجربه سیاسی زیدیه به ارمغان آورد. این در حالی بود که پیش از این، حکومت ادرسیان در مغرب، تنها موفقیت پایدار در تجربه سیاسی زیدیه محسوب می‌شد.

طهری

سال چهارم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴

۱. ۲. ۳. دولت ادریسیان

اشاره کردیم که ادریس بن عبدالله پس از همکاری با حسین فخی و شکست قیام او، به مغرب دورگریخت. او در سال ۱۷۲ ق، پس از دعوت و بیعت قبایل آن منطقه، دولتی مستقل از دستگاه خلافت عباسی در آن سامان تأسیس کرد. در مورد دعوت ادریس آورده‌اند که او در یک مرحله داعی برادرش محمد نفس زکیه و در مرحله بعد داعی حسین فخی و در مرحله سوم داعی برادر دیگرش یحیی صاحب دیلم بود، و در نهایت وقتی خبر سرانجام کار یحیی به او رسید، دعوت به خود کرد و برای تأسیس دولت به «طنجه» رفت و پایه‌گذار اولین دولت زیدیه شد.

در خصوص زندگی ادریس بن عبدالله و جانشینان او اطلاعات زیادی در اختیار نیست و منابع زیدیه نیز کمتر به آن پرداخته‌اند، ولی مسلم است که ادریس پس از چند سال حکومت و احتمالاً در سال ۱۷۷ ق، با دسیسه هارون الرشید مسموم شد و به شهادت رسید و پس از شهادتش، عده‌ای از فرزندان و نوادگان او دولت ادریسیان را تا بیش از دو قرن استمرار بخشیدند، و در مقطعی از قرن پنجم با کنار زدن امویان، بر اندلس نیز تسلط یافتند.^{۱۲}

۲. ۳. دولت طبرستان و دیلمان

اولین حضور پیشوایان زیدیه در ایران به قرن دوم ق، و به قیام یحیی بن زید بن علی (ع) در خراسان و پس از آن به نهضت یحیی بن عبدالله، برادر نفس زکیه، در منطقه دیلمان بازمی‌گردد که هیچ یک موفقیت‌پایداری پدید نیاورد.

در سال ۲۵۰ ق، حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی‌طالب (ع)، معروف به داعی کبیر، با کمک مردم دیلم و طبرستان قیام کرد و اولین حکومت علویان زیدی را در شمال ایران تشکیل داد. این حکومت در طول چندین قرن با فراز و نشیبها و فاصله‌های زمانی بسیار، تا قرن دهم هجری استمرار یافت.

پس از وفات داعی کبیر در سال ۲۷۰ ق، برادرش محمد بن زید که او نیز داعی خوانده می‌شد، جانشین او شد. محمد بن زید در سال ۲۸۷ ق، در جنگ با سامانیان در گرگان کشته شد.^{۱۳}

منابع زیدیه در امام دانستن این دو برادر هماهنگ نیستند^{۱۴} و اغلب آنان را واجد شرایط

این مقام نمی‌دانند و از آنان به عنوان امام یاد نمی‌کنند.^{۱۵}

ولی زمانی که حسن اطروش، فرزند علی بن حسن بن علی بن عمر بن زین‌العابدین (ع)، معروف به ناصر کبیر، در سالهای پایانی قرن سوم و اوایل قرن چهارم ق، در همین منطقه حکومت

را به دست گرفت، همه زیدیه بر مقام امامت او اتفاق نظر داشتند و او را به عنوان یکی از بزرگ-ترین امامان خود شناختند. ناصر اطروش پایه‌های حکومت شیعی را در شمال ایران تحکیم کرد و دشمنان شیعه را سرکوب نمود و در سال ۳۰۴ ق، در آمل وفات یافت و در همان شهر که مرکز فرمانروایی او نیز بود، به خاک سپرده شد و تاکنون قبر او به عنوان مزار مورد توجه است.^{۱۶}

پس از ناصر اطروش، فرزندان او با دیگر علویان و اعیان با خود بر سر حکومت درگیر شدند، ولی در میان جانشینان ناصر، حسن بن قاسم که از سرداران ناصر کبیر و از نوادگان امام حسن و معروف به داعی صغیر بود، موفق‌تر از دیگران حکومت زیدیه را رهبری کرد.^{۱۷}

پس از کشته شدن داعی صغیر در سال ۳۱۶ ق، در آمل، حکومت زیدیه در شمال ایران به صورت منطقه‌ای و پراکنده و اعیاناً با درگیریهای داخلی و فترتهایی طولانی تا زمان بسط و گسترش حکومت صفویه بر همه مناطق ایران در قرن دهم، ادامه یافت. در این دوره، علاوه بر شخصیهایی که از آنها نام بردیم، مهم‌ترین امامان زیدیه که در این منطقه ظهور کردند عبارت‌اند از:

- مهدی‌الدین الله محمد، فرزند حسن بن قاسم داعی صغیر، معروف به ابن داعی که در اواسط قرن چهارم در سال ۳۵۳ ق، از بغداد به شمال ایران آمد و عهده‌دار منصب امامت زیدیه شد و در سال ۳۶۰ ق، وفات یافت.^{۱۸}

- مؤیدالله ابوحسین احمد بن حسین بن هارون (متوفای ۴۱۱ ق) از نوادگان امام حسن(ع) یکی از مهم‌ترین امامان زیدیه به شمار می‌آید. وی نقش ویژه‌ای در ترویج مکتب زیدیه و امامان زیدی حجاز و یمن، در شمال ایران داشته و اعیاناً خود او نیز صاحب مکتب خاصی قلمداد شده است. آنچه مسلم است او و برادرش ابوطالب متأثر از مکتب قاضی عبدالجبار (متوفای ۴۱۵ ق) و دیگر بزرگان معتزله در آن دوران بوده‌اند.^{۱۹}

- ناطق‌الحق ابوطالب یحیی بن حسین بن هارون برادر مؤیدالله بود که پس از او به مقام امامت زیدیه نائل آمده و گویا تا سال ۴۲۴ ق، در قید حیات بوده است. او همچون برادرش یکی از شخصیهایی مؤثر و مهم تاریخ زیدیه محسوب می‌شود که علی‌رغم ظهور در شمال ایران که به صورت سنتی پیرو تعالیم و مکتب ناصر کبیر بودند، تا حدود زیادی متأثر از مکتب معتزله و زیدیه حجاز و یمن بود.^{۲۰} از ابوطالب و برادرش مؤیدالله هارونی به دلیل نقش بارزی که در احیای مکتب زیدیه در قرن چهارم داشتند، به عنوان دو مجدد مذهب زیدیه در این قرن یاد شده است.

- مستظهرالله مانگدیم^{۲۱} احمد بن حسین، یکی دیگر از امامان حسنی زیدیه در شمال ایران است که با برادران هارونی معاصر بوده و بنابر برخی گزارشها در منطقه تحت نفوذ مؤیدالله هارونی جانشین وی شده است. وی نیز با تأثیر پذیرفتن از معتزله و نوشتن تعلیقاتی مهم بر

کتاب الاصول الخمسة، تألیف قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفای ۴۱۵ ق)، ادامه دهنده مکتب مؤید بالله بود و گویا در سال ۴۲۵ ق، در ری وفات یافته است.^{۲۲}

- موفق بالله حسین بن اسماعیل شجری گرگانی (متوفای ۴۲۰ ق) و فرزندش مرشد بالله یحیی (متوفای ۴۷۹ ق) نیز هر دو از امامان مطرح و بنام زیدیه در شمال ایران بوده‌اند.^{۲۳}

- احمد بن یحیی، نواده مؤید بالله ابو حسین هارونی، یکی از آخرین امامان مطرح و مهم زیدیه در ایران است که به ابوطالب اخیر مشهور بوده و در آغاز قرن ششم در شمال ایران به مقام امامت زیدیه رسیده است. او برای اولین بار موفق شد که دامنه نفوذ خود را تا یمن امتداد داده، برای مقطعی به عنوان امام زیدیه در ایران و یمن شناخته شود. ابوطالب اخیر که از او به عنوان مجدد مذهب زیدیه در آغاز قرن ششم نام برده می‌شود، در سال ۵۲۰ ق، به دست فداییان اسماعیلی در شمال ایران به قتل رسید.^{۲۴}

همچنین امامان دیگری نیز در این فاصله و پس از آن تا پایان قرن ششم در شمال ایران ظهور کرده‌اند که به دلیل اهمیت کمتر آنان و رعایت اختصار، از ذکرشان چشم‌پوشی کردیم؛ با این توجه که اغلب وجهه سیاسی این امامان، بیش از تأثیرگذاری کلامی و عقیدتی آنان بوده است.

زیدیه شمال ایران در قرنهای پنجم و ششم، علاوه بر دشمنان خارجی و حکومت‌های غیر شیعی تابع خلفای عباسی، از سوی دو جریان عمده شیعی نیز تحت فشار سیاسی و عقیدتی بودند. از طرفی با گسترش مذهب امامیه اثناعشریه در ایران و به ویژه در مازندران، مناطق تحت نفوذ زیدیه در شمال ایران محدودتر می‌شد و از طرف دیگر اسماعیلیان نزاری که قلعه الموت و برخی مناطق کوهستانی شمال ایران را مرکز فعالیت‌های خود قرار داده بودند، رقابتی سرسختانه و خونین را با آنان آغاز کرده بودند.

از اواسط قرن هفتم و پس از حمله و سلطه مغول بر ایران، برای حدود یک قرن کمترین اطلاعات و گزارش‌ها را از زیدیه در ایران در اختیار داریم تا اینکه در اواسط قرن هشتم برای بار دیگر گزارش‌ها از روی کار آمدن سلسله کیاییان زیدی مذهب در بخش‌هایی از شمال ایران و گیلان کنونی حکایت دارد که در راس آن ساداتی حسینی و زیدی مذهب قرار داشتند.^{۲۵} ولی وجود شخصیت‌های دارای شرایط و مدعی امامت در میان زیدیه شمال ایران، از قرن هفتم به بعد محل تردید است.

آنچه مسلم است آنکه پس از تسلط صفویان بر مناطق مختلف ایران و برچیده شدن حکومت‌های محلی و از جمله حکومت کیاییان در گیلان، مذهب زیدیه نیز در این منطقه دوام نیاورده و به تدریج از میان رفته است و پیروان زیدیه نیز به تدریج به مذاهب دیگر و به ویژه به مذهب امامیه گرویدند.^{۲۶}

۳. ۲. ۳. دولت یمن

۳. ۲. ۳. ۱. زیدیه یمن از آغاز تا قرن پنجم

هادی یحیی بن حسین بن قاسم رستی، متولد ۲۴۵ ق، در سال ۲۸۰ در یمن پایه‌گذار حکومتی مستقل به نام شیعیان زیدیه شد. از آن پس تا دوران معاصر، یمن و به ویژه بخشهای شمالی آن به پایگاه سنتی زیدیه تبدیل شد و امامان و شخصیتها و جریانهای فکری بسیاری در آن منطقه ظهور کردند.

پس از وفات هادی یحیی بن حسین در سال ۲۹۸ ق، دو فرزند او به نامهای محمد ملقب به مرتضی‌الدین‌الله (متوفای ۳۱۰ ق) و احمد ملقب به ناصرالدین‌الله (متوفای ۳۱۵ ق)، هر دو از امامان مهم زیدیه در یمن و ادامه دهنده راه پدر بودند. ۲۷

پس از وفات ناصر احمد بن یحیی، زیدیه در یمن دچار تفرقه و نزاعهای داخلی و درگیریهای شدید با اسماعیلیه شدند. در این مدت و تا اواخر قرن چهارم، نوادگان هادی به صورت پراکنده و بدون آنکه به مقام بالای امامت دست یابند، در آن سرزمین باقی ماندند و حکومت کردند. سرانجام در اواخر قرن چهارم، یکی از نوادگان قاسم رستی، به نام قاسم بن علی عیانی و ملقب به منصورالله، پس از مهاجرت از حجاز به یمن، به عنوان امامی مسلم مطرح شد و برای بار دیگر روح تازه‌ای به کالبد زیدیه در یمن دمید. ۲۸

پس از وفات منصورالله قاسم بن علی در سال ۳۹۳ ق، فرزندش حسین ملقب به مهدی‌الدین‌الله (متوفای ۴۰۴ ق) جانشین او شد و به مقام امامت زیدیه نایل گشت. ولی در ادامه او به شخصیتی جنجالی در تاریخ زیدیه یمن تبدیل شد و پیروانی خاص به خود پیدا کرد که معتقد به غیبت و مهدویت او شدند و به نام حسینیّه مشهور گشتند. ۲۹

در همین مقطع جدال فکری دیگری نیز در میان زیدیه یمن رو به گسترش بود و آنان را که همچنان خود را پیرو مکتب هادی می‌دانستند به دو دسته مُطَرَّقِیّه و مُخْتَرَعه ۳۰ تقسیم می‌کرد.

۳. ۲. ۳. ۲. زیدیه یمن از قرن پنجم تا قرن دهم ق

پس از حسین بن قاسم عیانی، بار دیگر درگیریهای داخلی و خارجی بر اردوی زیدیه در یمن سایه افکن شد و با کشته شدن امام ناصرالدین‌الله ابوالفتح دیلمی در سال ۴۴۴ ق، به دست اسماعیلیان یمن، آنان برای مدت یک قرن دوران فترت و افول را تجربه کردند و اسماعیلیان بر اغلب قلمرو آنان تسلط یافتند. ۳۱ بدین ترتیب دوره‌ای از حکومت زیدیه بر یمن، از امام هادی یحیی بن حسین تا امام ابوالفتح دیلمی به پایان رسید. ۳۲

طهری

نورم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴

در سال ۵۳۲ ق، و پس از رو به ضعف گذاشتن دولت اسماعیلیان، متوکل علی الله احمد بن سلیمان که از نوادگان امام زیدیه هادی یحیی بن حسین بود، برای بار دیگر حرکت زیدیه را جانی دوباره بخشید و پس از مبارزاتی موفق شد حکومت زیدیه را بر مناطقی از شمال یمن بگستراند. او علاوه بر نشستن بر کرسی امامت و رهبری سیاسی، با تاثیرگذاری فکری و تألیفات مهم خود که بر اساس خط اصیل زیدیه جارودیه بود، با جریانات انحرافی در داخل صفوف زیدیه و از جمله مُطَرَفِیَه که در طول یک قرن فترت، رشد زیادی کرده بودند، به مقابله جدی پرداخت.^{۳۳}

احمد بن سلیمان در سال ۵۶۶ ق، وفات یافت. ولی با فاصله اندکی یکی دیگر از امامان زیدیه، راه او را با قوت بیشتری ادامه داد. منصور بالله عبدالله بن حمزه که او نیز از نسل قاسم رسی بود، اقتدار زیدیه را برای بار دیگر به آنان بازگرداند و با تألیفات بسیار و مبارزات بی امان علمی و سیاسی و نظامی، و از جمله مبارزه قاطع با مطرفیه که موجب شد برای همیشه آنان از صحنه خارج شوند، یکی از موثرترین و مهم‌ترین امامان زیدیه در طول تاریخ آنان به شمار می‌آید و از وی به عنوان مجدد زیدیه در قرن ششم نام برده می‌شود.^{۳۴}

وی در سال ۶۱۴ ق، از دنیا رفت، ولی امامان زیدیه که اغلب از نوادگان قاسم رسی و از سادات حسنی بودند، یکی پس از دیگری و احياناً با نزاعهایی بر سر تصاحب منصب امامت، به مقام امامت می‌رسیدند.

پس از این مقطع مهم‌ترین امامان زیدیه در یمن عبارت بودند از:^{۳۵}

- مهدی‌الدین الله احمد بن حسین، مشهور به ابوطیر صاحب ذی‌بین، از نوادگان قاسم رسی بود و برخی از زیدیه در مورد او نیز گمان مهدویت داشتند و عاقبت بر اثر نزاعهای داخلی میان زیدیه در سال ۶۵۶ ق، کشته شد!

- منصور بالله حسن بن بدرالدین محمد (متوفای ۶۷۰ ق) از نوادگان هادی یحیی بن حسین بود و یکی از مطرح‌ترین امامان زیدیه با گرایش اصیل زیدی در قرون میانه در یمن است.

- متوکل علی الله مطهر بن یحیی، معروف به المظلل بالغمام (متوفای ۶۹۷ ق) و فرزندش مهدی‌الدین الله محمد (متوفای ۷۲۸ ق)، دو امام دیگر زیدیه از نسل امام هادی یحیی بن حسین بودند که از آنها به عنوان دو مجدد زیدیه در آغاز قرن هشتم نام برده شده است.

- مؤید بالله یحیی بن حمزه که از نوادگان امام دهم اثنا عشریه حضرت علی النقی (ع) و در سال ۷۲۹ ق، مدعی مقام امامت زیدیه در یمن بود، و در سال ۷۴۹ ق، وفات یافت. وی که صاحب تألیفات مهم و فراوانی است، در برخی اعتقادات از خط اصلی زیدیه که به فرقه جارودیه منتسب بودند فاصله گرفته بود.

- مهدی‌الدین‌الله احمد بن یحیی، مشهور به ابن‌مرتضی (متوفای ۸۴۰ ق) که او نیز از نوادگان امام زیدیه هادی یحیی بن حسین و تا حدود زیادی متأثر از مکتب معتزله بود و با تألیفات بسیار در مباحث مختلف یکی از تأثیرگذارترین امامان زیدیه یمن از قرن نهم تاکنون به شمار می‌رود و از او به عنوان مجدد مذهب زیدیه در آغاز قرن نهم یاد می‌شود.

- هادی‌الی‌الحق عزالدین بن حسن (متوفای ۹۰۰ ق) یکی دیگر از نوادگان امام زیدیه هادی یحیی بن حسین بود که به مقام امامت زیدیه در یمن رسید و با تألیفات و طرح نظریاتی که به نحوی در ادامه گرایش ابن‌مرتضی بود، به امامی مطرح و برجسته تبدیل شد و به عنوان مجدد قرن در تاریخ زیدیه ماندگار گشت.

- متوکل‌علی‌الله یحیی شرف‌الدین، نواده امام زیدیه احمد بن یحیی ابن‌مرتضی، از آخرین امامان زیدیه در دوره دوم حکومت آنان بر یمن بود که پس از وفاتش در سال ۹۶۵ ق، و روی کار آمدن فرزندش مطهر و چند امام دیگر، ترکان عثمانی به تدریج با تسلط بر یمن عرصه را بر امامان زیدیه تنگ کردند و پس از فراز و نشیب‌هایی، در اواخر قرن دهم ق، یک‌بار دیگر عرصه سیاسی یمن از حکومت امامان زیدیه خالی ماند.

۳.۳.۳. زیدیه یمن از قرن یازدهم ق، تاکنون

پس از یک دوره اشغال یمن به وسیله حکومت عثمانی و عدم امکان تحرک امامان زیدیه، امامی دیگر از زیدیه با نام منصورالله قاسم بن محمد بن علی که او نیز از نوادگان امام زیدیه هادی یحیی بن حسین بود، در سال ۱۰۰۶ ق، امامت و رهبری را به دست گرفت و با ترکان عثمانی وارد مبارزه جدی شد و این آغازی برای رهایی یمن و زیدیه از سیطره حکومت عثمانی‌ها بود. از منصورالله قاسم بن محمد بن علی که بیشتر امامان زیدی پس از او تا دوران معاصر از نسل او بودند، به دلیل مقام والای علمی و تلاش بسیار در احیای مکتب زیدیه در آغاز قرن یازدهم که در قالب تألیفاتی مهم و شاگردانی تأثیرگذار بروز داشته، به عنوان مجدد مذهب زیدی در این قرن یاد شده است.

پس از وفات منصورالله قاسم بن محمد بن علی در سال ۱۰۲۹ ق، دو فرزند او مؤیدالله محمد (متوفای ۱۰۵۴ ق) و متوکل‌علی‌الله اسماعیل (متوفای ۱۰۸۷ ق) به ترتیب به مقام امامت رسیدند و هر دو از امامان برجسته و مهم زیدیه به شمار می‌آیند.^{۳۶}

از آن پس با روی کار آمدن مجموعه‌ای از امامان که اغلب از نسل منصورالله قاسم بن محمد بودند، به تدریج حکومت امامان زیدیه رو به ضعف و انحطاط گذاشت و در بسیاری از مقاطع با درگیریهای داخلی و نزاع مدعیان امامت همراه بود. این ضعف و انحطاط به جایی رسید

که در قرن سیزدهم کسی همچون محمد بن علی شوکانی (متوفای ۱۲۵۰ ق) که به مکتب اهل سنت گرایشی آشکار داشت و در نزد زیدیه به عنوان منحرف تلقی می‌شود، به مقام قاضی القضاتی امامان وقت رسید و تقریباً در همه امور حکومت دخالت داشت. این انحطاط و اختلاف سرانجام به بازگشت عثمانیها و اشغال مجدد یمن انجامید.^{۳۷}

در اواخر قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم ق، در حالی که یمن برای بار دیگر به اشغال عثمانیها درآمده بود، هنوز برخی امامان زیدیه به عنوان امام مطرح می‌شدند؛ هرچند توان بسط قدرت سیاسی و تشکیل حکومت مستقل را نداشتند. در این مقطع نیز گاهی به طور همزمان چند امام مدعی مقام امامت زیدیه می‌شدند. برجسته‌ترین امامان زیدیه در این مقطع منصورالله محمد بن عبدالله وزیر (متوفای ۱۳۰۷ ق)^{۳۸} و مهدی‌الدین الله محمد بن قاسم حوثی (متوفای ۱۳۱۰ ق)^{۳۹} بودند.

تا اینکه در سال ۱۳۰۷ ق، پس از وفات محمد بن عبدالله وزیر، منصورالله محمد بن یحیی حمیدالدین، خود را به عنوان امام زیدیه، مطرح کرد و این آغازی بود بر سلسله‌ای از آخرین امامان زیدیه از خانواده حمیدالدین که آنها نیز از نسل قاسم بن محمد بن علی بودند.^{۴۰}

وقتی محمد بن یحیی حمیدالدین در سال ۱۳۲۲ ق، وفات یافت، فرزندش متوکل علی‌الله یحیی به مقام امامت رسید و راه او را در مبارزه با ترکان عثمانی ادامه داد. در عصر او یمن برای بار دوم از تحت سلطه عثمانیها خارج شد و به استقلال رسید.^{۴۱}

در این دوره و در فاصله جنگ جهانی اول و دوم، یمن نیز دستخوش تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری شد و این تحولات به انقلابی داخلی علیه حکومت امامت زیدیه در سال ۱۳۶۷ ق/ ۱۹۴۸ م، و ترور امام یحیی انجامید. ولی انقلابیون به زودی در تسلط بر اوضاع یمن شکست خوردند و فرزند امام یحیی، ناصرالدین الله احمد به منصب امامت رسید.^{۴۲}

تحولات سریع جهانی و منطقه‌ای همچنان ادامه یافت و حکومت امامان زیدیه که شکلی موروثی و سلطنتی به خود گرفته بود، به تدریج توان مقابله را در برابر موج جدید جمهوری خواهی و تجدد طلبی از دست داد و در سال ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م، وقتی امام احمد حمیدالدین از دنیا رفت و فرزندش محمد بدر به عنوان جانشین او معرفی شد، در کودتایی نظامی که از برخی پشتوانه‌های خارجی نیز بهره می‌برد، حکومت امامان زیدیه سقوط کرد و از آن پس تاکنون زیدیه از قدرت سیاسی و به تبع آن از امامت مورد تأکید در مذهب زیدیه، فاصله گرفتند.^{۴۳}

پی‌نوشتها:

۱. اوانل المقالات، ص ۳۹؛ فرق الشيعة، ص ۵۵؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۳۱؛ مقالات الإسلاميين، ج ۱، ص ۶۵

۲. نقل ابن مرتضی در المنیة و الامل، ص ۸۹؛ مشابه همین تعریف را ببینید در الملل و النحل، چاپ شده در مقدمه البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الأمصار، ص ۴۰.

۳. الرسالة البديعة المعلقة بفوائد الشيعة، ص ۶۶

۴. المنیة و الامل، ص ۸۹

۵. قواعد عقائد آل محمد، نقل در عدة الاكياس في شرح معاني الاساس، ج ۲، ص ۱۳۹؛ مسائل الآماتة، ص ۴۲؛ فرق الشيعة، ص ۵۳.

۶. تاريخ الطبري، ج ۳، ص ۳۸۰؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸؛ الكامل في التاريخ، ج ۵، ص ۴۹۷.

۷. شرح حال يحيى بن زيد را در اين منابع زبديہ ببينيد: مقاتل الطالبين، صص ۱۴۵-۱۵۰؛ المصابيح، صص ۴۰۷-۴۲۳؛ تنمة المصابيح، المصابيح، صص ۴۱۴-۴۲۳؛ الإفادة في تاريخ الأئمة السادة، صص ۵۱-

۵۴؛ الحدائق الوردية في مناقب أئمة الزيدية، ج ۱، صص ۲۶۸-۲۷۲؛ مآثر الأبرار في تفصيل مجملات جواهر الأخبار، ج ۱، صص ۴۰۴-۴۰۷؛ التحف شرح الزلف، صص ۷۶-۷۷.

۸. شرح حال اين امامان زبديہ را نيز به ترتيب در اغلب مصادر پيش گفته مي‌توان ديد كه به دليل رعايت اختصار از تكرار آن خودداري شد. البته برخي از اين مصادر، در كنار اين امامان، از امامان ديگري نيز نام برده‌اند كه به دليل اختلافی بودن امامت و يا اهميت كمترشان، از ذكرشان صرف نظر كرديم.

۹. برخي از منابع زبديہ از جمله الأحكام في الحلال و الحرام؛ الإفادة في تاريخ الأئمة السادة و حقائق المعرفة، از اديس بن عبدالله در ردیف امامان زبديہ در اين دوره ياد نكرده است.

۱۰. فرقه‌های اوليه زبديہ مختلف و متعدد ذكر شده است؛ نشوان بن سعيد حميري (متوفای ۵۷۳ ق) در الحور العين، و محمد بن حسن ديلمی (متوفای ۷۱۱ ق) در قواعد عقائد آل محمد از جمله شخيتهای زبديہ‌اند كه از سه فرقه بتریه و جربريه و جاروديه نام برده‌اند. ر.ك: الحور العين، ص ۱۵۵؛ قواعد عقائد آل محمد، مخطوط، نقل شده در عدة الاكياس في شرح معاني ايساس، ج ۲، ص ۱۴۰.

سخن مفصل تر از فرقه‌ها و دسته بندی‌های زبديہ از آغاز تا دوران معاصر و عقايد آنان را به نوشتاری مستقل كه به خواست خدا به زودي منتشر خواهد شد وامی‌گذاريم.

۱۱. به عنوان نمونه مي‌توان به هر يك از محمد بن عبدالله نفس زكيه، برادرش ابراهيم بن عبدالله و محمد بن ابراهيم ابن طباطبا اشاره كرد كه هر يك حدود دو ماه در مناطق قيام خود، زمام امور را به دست گرفتند و حكومت كردند. ر.ك: مقاتل الطالبين؛ تنمة المصابيح؛ الإفادة في تاريخ الأئمة السادة؛

الحدائق الوردية في مناقب أئمة الزيدية و ديگر منابع پيش گفته.

۱۲. بخشی از كتاب اخبار فخر، تأليف شخصيت زبديہ احمد بن سهل رازی (متوفای قرن چهارم)، به اخبار اديس بن عبدالله اختصاص يافته است، ببينيد: اخبار فخر و خبر يحيى بن عبدالله و أخيه اديس بن عبدالله، صص ۵۴-۶۷؛ برای اطلاع بيشتر از شرح حال اديس بن عبدالله و دولت اديسيان، علاوه بر منابع زبديہ ذكر شده در بخش معرفي امامان زبديہ در قرن سوم و ديگر منابع تاريخي همچون تاريخ

طبري

جلد چهارم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴

الطبري، ج ٦، ص ٤١٦؛ الكامل، ج ٤، ص ١٣؛ مروج الذهب، ج ٣، ص ٣٢٦، ر.ك: كتاب الأدراسة حقائق جديدة.

١٣. شرح حال حسن بن زيد و برادرش محمد بن زيد را ببینید در: التاجی فی أخبار الدولة الدیلمیة، بخش منتشر شده در أخبار أئمة الزیدیة فی طبرستان و دیلمان و جیلان، صص ١٩-٢٣؛ تاریخ طبرستان، صص ٢٢٨-٢٥٩؛ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، صص ٢٠١-٢١٤؛ التحف شرح الزلف، صص ١٦٦-١٦٦.

١٤. به عنوان نمونه، در حالی که اغلب منابع از آن دو به عنوان امام یاد نمی کنند، شخصیت برجسته معاصر زیدیه مجدالدین مؤیدی در کتاب التحف شرح الزلف از هر دو با عنوان امام یاد کرده و به شرح حالشان پرداخته است.

١٥. برخی از منابع زیدیه به انتقاد صریح و تند از حسن و محمد بن زید نیز پرداخته اند و از آن جمله احمد بن موسی طبری (متوفای ٣٤٠ ق) از هادی یحیی بن حسین (متوفای ٢٩٨ ق) روایت می کند، که گفته است: «جایگاه حسن و محمد بن زید در نزد خدا همانند جایگاه سبکتکین و برادر اوست که نوکر حلقه به گوش بنی عباس بودند، بلکه این دو به دلیل خویشاوندی با پیامبر، جرمشان سنگین تر است.» المنیر، ص ١٧٢.

١٦. شرح حال و اخبار ناصر کبیر را ببینید در: التاجی فی أخبار الدولة الدیلمیة، بخش منتشر شده در أخبار أئمة الزیدیة فی طبرستان و دیلمان و جیلان، صص ٢٣-٣٣؛ تنمة المصایح، المصایح، صص ٦٠٢-٦٠٧؛ الإفادة فی تاریخ الأئمة السادة، صص ١١٧-١٢٦؛ الحدائق الوردیة فی مناقب أئمة الزیدیة، ج ٢، صص ٥٥-٧٩؛ مآثر الأبرار فی تفصیل مجملات جواهر الأخبار، ج ٢، صص ٦٢٠-٦٣٢؛ التحف شرح الزلف، صص ١٨٤-١٨٧؛ تاریخ طبرستان، صص ٢٦٨-٢٧٥.

١٧. منابع زیدیه در امام دانستن حسن بن قاسم نیز اتفاق نظر ندارند و بسیاری از او در ردیف امامان زیدیه نام نمی برند. شرح حال او ببینید در: الإفادة فی تاریخ الأئمة السادة، ص ١٣٢؛ مآثر الأبرار فی تفصیل مجملات جواهر الأخبار، ج ٢، صص ٦٣٣-٦٣٤؛ التحف شرح الزلف، ١٨٨؛ تاریخ طبرستان، صص ٢٧٤-٢٩٢؛ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، صص ٢٢١-٢٢٣.

١٨. برای شرح حال ابن داعی ر.ك: التاجی فی أخبار الدولة الدیلمیة، بخش منتشر شده در أخبار أئمة الزیدیة فی طبرستان و دیلمان و جیلان، صص ٤٠-٤٢؛ الإفادة فی تاریخ الأئمة السادة، صص ١٣٧-١٥٠؛ الحدائق الوردیة فی مناقب أئمة الزیدیة، ج ٢، صص ١٠١-١١٣؛ مآثر الأبرار فی تفصیل مجملات

جواهر الأخبار، ج ٢، صص ٦٧٥-٦٨٤؛ التحف شرح الزلف، صص ٢٠٩-٢١٠.

١٩. شرح حال مؤیدالله را علاوه بر تألیف مستغنی که امام زیدیه مرشدالله یحیی بن حسین (متوفای ٤٧٩ ق) نوشته و با نام سیرة الآمام المؤیدالله منتشر شده است، می توان در منابع زیر نیز دید: شرح

عیون المسائل، بخش منتشر شده در فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة، ص ٣٧٦؛ روضة الأخبار، بخش منتشر شده در تاریخ أئمة الزیدیة فی طبرستان و دیلمان و جیلان، صص ٣٥٣-٣٥٤؛ مآثر الأبرار فی تفصیل مجملات جواهر الأخبار، ج ٢، صص ٦٨٥-٦٩٦؛ التحف شرح الزلف، صص ٢١١-٢١٢.

۲۰. شرح حال ابوطالب ناطق بالحق را نیز می‌توان در منابع پیش گفته، پس از شرح حال برادرش مؤید بالله، دید.

۲۱. مانگدیم: کلمه‌ای فارسی است به معنای ماه رو. این کلمه مرکب از دو بخش است: مانگ به معنای ماه، و دیم به معنای رو و گونه. ن. ک: الدرجات الرفیعة، ص ۵۲۳.

۲۲. شرح حال او را ببینید در: مآثر الأبرار فی تفصیل مجملات جواهر الأخبار، ج ۲، ص ۷۰۱؛ حقیق الأنهار فی تراجم رجال شرح الأزهار، چاپ شده در مقدمه شرح الأزهار، ج ۱، ص ۲۸-۲۹؛ التحف شرح الزلف، ص ۲۱۶.

۲۳. بسیاری از منابع زبیده از امام موفق بالله در شمار امامان خود یاد نکرده‌اند، ولی شرح حال او را در این منابع می‌توان دید: المراتب فی فضائل علی بن ابی طالب، صص ۱۶۶-۱۶۷؛ حقیق الأنهار فی تراجم رجال شرح الأزهار، چاپ شده در مقدمه شرح الأزهار، ج ۱، ص ۴۷؛ التحف شرح الزلف، صص ۲۲۲-۲۲۳؛ ۱۰۷؛ همچنین شرح حال مرشد بالله را ببینید در: التحف شرح الزلف، ص ۲۲۳.

۲۴. برای شرح حال ابوطالب اخیر ر. ک: کتاب وصل إلى الفقیه العلامة عمران بن الحسن، منتشر شده در اخبار أئمة الزیدية فی طبرستان و دیلمان و جیلان، صص ۱۵۴-۱۵۸؛ الحدائق الوردية فی مناقب أئمة الزیدية، ج ۲، صص ۲۰۳-۲۱۸؛ مآثر الأبرار فی تفصیل مجملات جواهر الأخبار، ج ۲، صص ۷۰۵-۷۰۸؛ التحف شرح الزلف، صص ۲۲۵-۲۳۰.

۲۵. شرح حال این سلسله و وقایع این دوره را ببینید در دو کتاب: تاریخ گیلان و دیلمستان، تألیف ظهیرالدین مرعشی (زنده در ۸۹۴ ق) و مجالس المؤمنین، تألیف قاضی نورالله شوشتری (متوفای ۱۰۱۹ ق).
۲۶. قاضی نورالله شوشتری (متوفای ۱۰۱۹ ق) در شرح احوال حاکم زیدی گیلان، کارکیا سلطان احمد بن کارکیا سلطان حسین (متوفای ۹۴۰ ق) آورده است که او: «از مذهب شیعه زبیده جارودیه که مذهب قدیم اهل گیلان بود، به مذهب امامیه اثنی عشریه انتقال نمود.» مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۷۸.

۲۷. شرح حال هادی یحیی بن حسین و دو فرزندش را نیز اغلب منابع زبیده که قبلاً بارها از آنها نام بردیم، آورده‌اند که به جهت رعایت اختصار از ذکر یک یک آنها خودداری می‌شود. علاوه بر این، علی بن محمد علوی از معاصران هادی در کتابی به نام سیره الهادی إلى الحق و عبدالله بن عمر همدانی (متوفای قرن چهارم) در تألیفی به نام سیره الناصر لدین الله أحمد بن یحیی بن الحسین به شرح حال آن دو پرداخته‌اند. برای اطلاع بیشتر از مشخصات چایی این دو کتاب و دیگر آثار منتشر شده از زبیده ر. ک: تراث الزیدية.

۲۸. شرح حال او را علاوه بر منابع زبیده که قبلاً نام برده شد، در تألیف مستقلى که حسین بن احمد بن یعقوب، عالم زبیده در قرن چهارم، در شرح احوال و سیره او نوشته و با نام سیره الامام المنصور بالله القاسم بن علی العیانی منتشر شده است، می‌توان دید.

۲۹. شرح حال مهدی حسین بن قاسم نیز در همه منابع زبیده که متأخر از او نوشته شده و قبلاً به آنها اشاره کرده‌ایم، آمده است. صاحب این قلم نیز به زودی در باره حسین بن قاسم و فرقه حسینیّه نوشتاری مستقل منتشر خواهد کرد.

۳۰. برای اطلاع بیشتر ر. ک: مقاله «یادداشتی درباره مطرفیه و ردیه قاضی جعفر بن عبدالسلام»، حسن انصاری قمی، مجله کتاب ماه دین، شماره ۴۹-۵۰، آبان و آذر ۱۳۸۰؛ «مدخل مطرفیه»، محمدکاظم رحمتی، مجله هفت آسمان، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۲.

طهر

چهارم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴

۳۱. دولت اسماعیلیان در یمن که از سال ۴۳۹ تا ۵۶۳ق، بر یمن حکومت کردند، با نام دولت صلیحیه شناخته می‌شود. برای مطالعه تاریخ اسماعیلیان یمن و دولت صلیحیه، ر.ک: الصلیحیون و الحركة الفاطمیة فی الیمن.

۳۲. شرح حال امام ابوالفتح دبلمی و اوضاع زیدیه در زمان او را نیز در منابع متأخر زیدیه که پیش از این در شرح احوال امامان زیدیه نام بردیم، می‌توان دید.

۳۳. شرح حال احمد بن سلیمان را نیز در منابع زیدیه متأخر از او می‌توان دید. همچون: الحدائق الوردیة فی مناقب أئمة الزیدية، ج ۲؛ مآثر الأبرار فی تفصیل مجملات جواهر الأخبار، ج ۲ و التحف شرح الزلف.

۳۴. علاوه بر منابعی که بارها از آنها نام برده‌ایم، در خصوص شرح حال این امام زیدیه چندین تألیف مستقل نیز وجود دارد؛ از جمله السیرة الشریفة المنصوریة، تألیف ابوفراس فاضل بن دعثم (متوفای قرن هفتم).

۳۵. شرح حال این امامان زیدیه را ببینید در: مآثر الأبرار فی تفصیل مجملات جواهر الأخبار، ج ۲، ص ۸۶۷ به بعد؛ بلوغ الأرب و كنوز الذهب فی معرفة المذهب، ص ۳۵۶ به بعد؛ التحف شرح الزلف، ص ۲۵۱ به بعد؛ البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع؛ ص ۲۵۱ به بعد و أعلام المؤلفین الزیدية.

۳۶. در خصوص شرح حال این سه امام زیدیه، علاوه بر منابع عمومی متأخر همچون التحف شرح الزلف، بهترین منبع سه تألیف مستقل مطهر بن محمد جرموزی (متوفای ۱۰۷۶ ق) است که با نام‌های النبذة المشیرة، الجوهرة المنيرة و تحفة الأسماع و الأبصار، به ترتیب به سیره امام قاسم بن محمد و دو فرزندش مؤید بالله و متوکل علی‌الله اختصاص یافته است.

۳۷. از بهترین منابع برای مطالعه این مقطع از تاریخ زیدیه، کتاب ریاض الریاحین، تألیف محسن بن احمد حرازی (متوفای ۱۲۸۸ ق) است که جلد دوم آن به تاریخ یمن در عصر اشغال مجدد توسط عثمانیها پرداخته است. همچنین دکتر حسین بن عبدالله عمری کتابی در سه مجلد فراهم آورده است با نام تاریخ الیمن الحديث و المعاصر که در آن متون تاریخی مربوط به همین دوره را جمع‌آوری و منتشر کرده است.

۳۸. در خصوص شرح حال این امام زیدیه، علاوه بر منابع عمومی همچون التحف شرح الزلف، دو تألیف مستقل نیز در دست داریم: اولی از محمد بن اسماعیل کبسی (متوفای ۱۳۰۸ ق) با نام جواهر الدر المکنون که با تتمه محقق معاصر او، زید بن علی وزیر، تاریخ یمن و شرح حال این امام زیدیه را از سال ۱۲۶۹ تا ۱۳۰۷ در برمی‌گیرد و دومی از نواده این امام، احمد بن محمد وزیر با نام الإمام محمد بن عبدالله الوزير.

۳۹. شرح حال او را ببینید در التحف شرح الزلف، صص ۳۶۵-۳۷۶ و مقدمه تألیف مشهورش: الموعظة الحسنة.

۴۰. علاوه بر منابع عمومی، علی بن عبدالله اریانی (متوفای ۱۳۲۳ ق) در کتابی مستقل با نام الدر المنثور فی سیرة الإمام المنصور در دو جلد و محمد بن محمد زبارة (متوفای ۱۳۸۰ ق) به صورت مفصل در جلد دوم از کتاب أئمة الیمن فی القرن الرابع عشر به شرح حال و دوران امامت این امام پرداخته‌اند.

۴۱. عبدالکریم بن أحمد مطهر (متوفای ۱۳۶۶ ق) در کتابی مستقل با نام کتیبة الحکمة من سيرة إمام الأئمة در دو جلد و محمد بن محمد زبارة به صورت مفصل در جلد سوم و چهارم از کتاب أئمة الیمن فی القرن الرابع عشر به شرح حال و وقایع دوران امامت متوکل یحیی حمیدالدین پرداخته‌اند، همچنین عبدالله بن محسن عزب (متوفای ۱۳۶۵ ق) در تألیفی مستقل با نام تاریخ الیمن الحديث، حوادث و تاریخ یمن را در همزمان با خروج عثمانیها در فاصله سالهای ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۶ ق، ثبت کرده است.

۴۲. در خصوص انقلاب ۱۹۴۸ م ببینید: الحركات السياسية و الاجتماعية فی الیمن، تألیف دکتر صادق عبده علی، و رساله دکتری احمد قائد صائدی که با نام الحركة المعارضة الیمنية فی عهد الامام یحیی بن محمد حمیدالدین منتشر شده است.

در مورد شرح حال آخرین امام زیدیه یمن نیز در کتابهای بسیاری سخن رفته است. از جمله علامه احمد بن محمد شامی، نویسنده معاصر زیدیه، در این خصوص کتابی دارد با نام امام الیمن أحمد حمیدالدین. برای اطلاع بیشتر از مشخصات چاپی کتابهای یاد شده در این نوشتار و دیگر آثار منتشر شده از زیدیه ر.ک: تراث الزیدية.

۴۳. در خصوص انقلاب سال ۱۹۶۲ م، و تاریخ یمن کتابهای بسیاری تألیف شده است که به عنوان نمونه می‌توان به دو کتاب الحركات السياسية و الاجتماعية فی الیمن و کتاب ثورة ۲۶ سبتمبر، منتشر شده از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات یمن، اشاره کرد که اولی به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی یمن و زیدیه از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۶۷ م، و دومی به انقلاب جمهوری خواهان پرداخته است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

طبع

کتابنامه:

۱. الأحكام فی الحلال و الحرام، هادی الی الحق یحیی بن حسین، مکتبة التراث الاسلامی، صعدة، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م.
۲. أخبار أئمة الزیدية فی طبرستان و دیلمان و جیلان، ویلفرد مادلونگ، از سری متون و پژوهشهای منتشر شده به وسیله مرکز آلمانی مطالعات شرقی در بیروت، شماره ۲۸، فرانتز اشتاینر، ویسبادن، ۱۹۸۷م.
۳. أخبار فخ و خبر یحیی بن عبدالله و أخیه إدريس بن عبدالله، احمد بن سهل رازی، دارالقرب الاسلامی، بیروت، ۱۹۹۵م.
۴. ایدراسه حقائق جدیدة، محمود أسماعیل، مکتبة مدبولی، قاهرة، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م.
۵. أعلام المؤلفین الزیدية، عبدالسلام بن عباس وجیه، مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، صنعاء، چاپ اول، ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م.
۶. الافادة فی تاریخ أئمة السادة، ناطق بالحق ابوطالب یحیی بن حسین هارونی، مرکز أهل البيت للدراسات الإسلامية، صعدة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.
۷. أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان، مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ش/۱۴۱۳ق.
۸. البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الأمصار، مهدی لدین الله احمد بن یحیی ابن مرتضی، دارالحکمة الیمانیة، صنعاء، چاپ اول، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م، ۶جلد.
۹. البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، محمد بن علی شوکانی، دار الفکر، دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م.
۱۰. بلوغ ارب و کنوز الذهب فی معرفة المذهب، علی بن عبدالله بن قاسم، مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، صنعاء، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م.
۱۱. التاجی فی أخبار الدولة الدیلمیة، ابراهیم بن هلال صابی، منتشر شده در أخبار أئمة الزیدية.
۱۲. تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
۱۳. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ظهیرالدین مرعشی، فردوسی، تهران، ۱۳۳۳ش.
۱۴. تاریخ طبرستان، محمد بن حسن بن اسفندیار، پدیده، تهران، ۱۳۶۶ش.
۱۵. تاریخ جیلان و دیلمستان، ظهیرالدین مرعشی، مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴ش.
۱۶. تتمه المصابیح، علی بن بلال آملی، منتشر شده با المصابیح.
۱۷. التحف شرح الزلف، مجدالدین بن محمد مؤیدی، مکتبة بدر، صنعاء، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م.
۱۸. تراث الزیدية، سید علی موسوی نژاد، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۴ش.
۱۹. الحدائق الرردية فی مناقب أئمة الزیدية، حمید بن احمد محلی، مرکز بدر العلمی و الثقافی، صنعاء، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م.
۲۰. حقائق المعرفة، متوکل علی الله احمد بن سلیمان، مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، صنعاء، چاپ اول، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م.
۲۱. الحورالعین، نشوان بن سعید حمیری، مکتبة الخانجی، چاپ اول، ۱۹۴۸م.
۲۲. الدرجات الرفیعة، سید علی خان مدنی، بصیرتی، قم، چاپ دوم، ۱۳۹۷ق.

۲۳. ریح الأذهار فی تراجم رجال الأزهار، احمد بن عبدالله جنداری، منتشر شده در مقدمه شرح الأزهار.
۲۴. الرسالة البديعة المعلقة بفضائل الشيعة، عبدالله بن زيد عنسي، مركز أهل البيت للدراسات الإسلامية، صعدة، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م.
۲۵. روضة الاخبار، يوسف بن محمد حجوري، بخش منتشر شده در تاریخ أئمة الزيدية في طبرستان و ديلمان و جيلان.
۲۶. شرح عيون المسائل، ابوسعید محسن بن محمد بن كرامه جشمی، منتشر شده در فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة.
۲۷. عدة السالكين في شرح معاني الاساس، احمد بن محمد شرفی، دار الحكمة اليمانية، صنعاء، چاپ اول، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م، ۲ مجلد.
۲۸. فرق الشيعة، حسن بن موسى نوبختی، دار الأضواء، بيروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴م.
۲۹. فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة، فواد سيد، الدار التونسية، ۱۳۹۳ق/ ۱۹۷۴م.
۳۰. الكامل في التاريخ، ابن اثير شيباني، دار احياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۳م.
۳۱. كتاب وصل إلى الفقيه العلامة عمران بن الحسن، يوسف بن ابی الحسن جيلي، منتشر شده در أخبار أئمة الزيدية في طبرستان و ديلمان و جيلان.
۳۲. مآثر الأبرار في تفصيل مجملات جواهر الأخبار، محمد بن علي زحيف، مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية، صنعاء، چاپ اول، ۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م.
۳۳. مجالس المؤمنين، قاضي نورالله شوشتری، اسلاميه، تهران، ۱۳۷۵.
۳۴. المراتب في فضائل علي بن أبي طالب، ابوالقاسم اسماعيل بن احمد بستی، دليل ما، قم، ۱۴۲۱ق.
۳۵. مروج الذهب و معادن الجواهر، علي بن حسين مسعودی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بيروت، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م.
۳۶. مسائل الإمامة، ناشیء اكبر، فرانز اشتاينر، ۱۹۷۱م.
۳۷. المصابيح، ابوعباس احمد بن ابراهيم، مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية، صنعاء، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۲م.
۳۸. مقاتل الطالبين، ابوالفرج علي بن حسين اصفهانی، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۷م.
۳۹. مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين، علي بن اسماعيل اشعري، فرانز اشتاينر، چاپ سوم، ۱۴۰۰ق/ ۱۹۸۰م.
۴۰. المتنزه المختار من الفيت المردار مشهور به شرح الأزهار، عبدالله بن مفتاح، مكتبة التراث الإسلامي، صعدة، ۱۴۱۴ق/ ۲۰۰۳م، ۱۰ مجلد.
۴۱. المنية و ايميل في شرح الملل و النحل، مهدي لدين الله احمد بن يحيى ابن مرتضى، مؤسسة الكتاب الثقافية، ۱۹۸۸م.
۴۲. المنير على مذهب الامام الهادي يحيى بن الحسين، احمد بن موسى طبري، مركز أهل البيت للدراسات الإسلامية، صعدة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۰م.
۴۳. الموعظة الحسنة، مهدي لدين الله محمد بن قاسم حوثي، مؤسسة الإمام زيد بن علي الثقافية، صنعاء، چاپ اول، ۱۴۲۰ق/ ۱۹۹۹م.